



نقدی بر عقل شهرت زده

زوال تفکر در زندگی پلتفرمی

در روز گاری که «لایک» جای «اندیشه» را گرفته و پلتفرم‌ها به جای دانشگاه‌ها صحنه تولید معناشده‌اند،طبیعی‌است اگر بعضی‌ها با ژستی روشنفکرمانه‌امایدون کمترین پشتوانه مفهومی، تلاش کنند بی‌نظمی کلام‌شان را نظم جا زنند و رگه‌هایی از فاشیسم فکری را در زورق نقد و فلسفه قالب کنند. ماجرای اخیر برخی چهره‌ها، از جمله آقای مصطفی مهراین که با ادبیاتی سطحی و پرطمطراق در تلاش برای «پازتعریف» مفاهیم اجتماعی و سیاسی هستند، نه صرفا یک انحراف فکری، بلکه نشانه‌ای عمیق‌تر از یک بیماری ساختاری در زیست‌بوم جدید تولید معناست: ساختار پلتفرمی.

در این ساختار، مرجعیت نه بر پایه اندیشه و معرفت، بلکه بر اساس الگوریتم‌های دیدشدن و تأثیر گذاری آنی شکل می‌گیرد. آنچه مهم است، دیگر محتوای سخن نیست، بلکه قاب و ژست گوینده است. فرهنگ شهرت، نه‌تنها سیاست را سطحی کرده، بلکه روشنفکری را نیز پاپ‌کورنی و سلبریتی‌زده کرده‌است. اگر زمانی روشنفکر شدن نیازمند سال‌ها مطالعه، تامل و مبارزه نظری بود، امروز چند کلیپ وایرال شده، چند لایو اینستاگرامی و اندکی ادبیات پرمدها اما آشفته کافی است تا جایگاه «نقاد جامعه» به فردی عطا شود. روشنفکران پلتفرمی، در ریشه در سنت‌های فکری دارند، نه دغدغه‌ای برای تاریخ و آینده جامعه؛ آنها محصول مستقیم الگوریتمند، نه حاصل رنج اندیشه.

نکنه نگران‌کننده آن است که این افراد، گاه بی‌آنکه بدانند، به بسط گفتگمانی کمک می‌کنند که می‌تواند صورت‌بندی‌های خطرناکی همچون فاشیسم فکری یا نفی گرای ساختارمند را در ذهن جامعه تثبیت کند. آنان همه چیز را انکار می‌کنند، بی‌آنکه بدیدلی داشته باشند؛ نوعی بی‌اعتمادی رادیکال که در لاف‌ها جسارت و طعنان نظری عرض می‌شود. امثال مهر آیین با تکیه بر بازی با نظریه‌ها، مفاهیم بزرگی چون «سیاست»،

رسول لطفی

«تاریخ» یا «قدرت» را وارد سخن خود می‌کنند اما آنچه حاصل می‌شود، نه تحلیلی مفید برای امروز، بلکه بیشتر نوعی مغشوش‌گویی نظری است که ربطی با اکنون و اقتضانات زمانه ندارد. نظریه در گفتار مهر آیین نه به عنوان ابزاری برای فهم وضعیت، بلکه به مثابه زبانی برای نمایش روشنفکری به کار می‌رود. اینجاست که سخن، به جای پیش‌بردن فهم، آن را مسدود می‌کند. آنقدر واژه‌ها در هم پیچیده و بی‌بی‌سیر شکل گرفته‌اند که دیگر نمی‌توان از دل‌شان تصویری روشن از روابط قدرت، وضعیت اجتماعی یا حتی نسبت فرد با جامعه بیرون کشید. ما با گفتاری مواجیم که وانمود می‌کند در حال نقد است اما در واقع نوعی سرگشتگی نظری تولیدمی‌کنند.این گفتارنه‌تنها راهی برای خروج از بن‌بست‌ها ارائه نمی‌دهند، بلکه خود بخشی از انسداد فکری زمانه شده‌اند و این دقیقاً همان چیزی است که پلتفرم‌ها از آن تغذیه می‌کنند.

در نتیجه، گفتارهایی چون آنچه مهر آیین و هم‌قطارانش تولید می‌کنند، به جای آگاهی‌بخشی، نوعی «فریب نظری» را رواج می‌دهد. مخاطب گمان می‌کند در حال اندیشیدن است اما در واقع صرفاً در حال خرخش در فضای واکنش و الگوریتم است. آنچه ما با آن روبه‌رویم، روشنفکری نیست، بلکه «نافی روشنفکری» است. این نوع گفتارها نه برای حل مسأله، بلکه الگوریتم‌پسند و برای پاداش گرفتن در نظام پلتفرمی ساخته می‌شوند.

در عصر مدرن، دیگر قهرمانی از دل تراژدی‌های اخلاقی یا جدال با قدرت زاده نمی‌شود؛ قهرمان امروز کسی است که بیش از دیگران بازنشر می‌شود. در این صحنه وهم‌آلود، شهرت، معیار حقیقت می‌شود و ویروسی‌شدن محتوا، به جای برهان، سند مشروعیت است. مهر آیین قهرمان این صحنه بی‌زمان است؛ صحنه‌ای که در آن مخاطب نه با پرسش مواجه می‌شود، بلکه تنها به دنبال‌روی دعوت می‌شود. شهرت ناگهانی برای او نه‌تنها جایگاهی اجتماعی می‌سازد، بلکه امکان ساختن شبکه‌ای از پیروان را نیز فراهم می‌کند که تنها به صدای او گوش می‌دهند. الگوریتم‌ها این صدای یگانه

تأثیرپذیری امامین انقلاب از نهج البلاغه

متقابل و مسؤولانه را نقا می‌یابد.

امامین انقلاب در فرایند نهضت اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این نگاه را به عنوان یک اصل راهبردی در سیاست‌ورزی خود به کار گرفتند. مردم در اندیشه آنان، نه سیهایی لشکر، نه ابزار سیاسی و نه تنها شنونده، بلکه محور همه تحولات سیاسی و اجتماعی شناخته شدند. این اصل دقیقاً همان چیزی بود که امام خمینی(ره) در سخنان متعددشان بارها بر آن تأکید می‌کردند، از جمله: «بن مردمند که همه کارها به دست آنان است؛ حفظ اسلام به دست مردم است».

این درک صحیح از نقش مردم، سبب شد نظام جمهوری اسلامی بر پایه «مردمسالاری دینی» شکل بگیرد؛ مدلی که در آن، مشارکت سیاسی مردم در انتخاب مسؤولان و تصمیم‌گیری‌های کلان، نه یک امتیاز یا لطف حکومتی، بلکه بخشی از هویت دینی و اجتماعی آنان قلمداد شد.

اما این اندیشه صرفاً به «انتخابات» یا «حضور در صحنه» محدود نماند، بلکه در سطوح عمیق‌تر از نقش مردم، به مفهوم امت‌سازی منجر شد. امت‌سازی در نگاه امامین انقلاب، فراتر از مشارکت سیاسی یا اجتماعی است و بیشتر ناظر به ایجاد یک هویت جمعی مؤمنانه و مسؤولانه است که در آن مردم نه تنها در سرنوشت خود، بلکه در سرنوشت جامعه اسلامی و امت بزرگ اسلامی نیز نقش دارند. این همان معنای عمیق تمدن‌سازی است که در سیاست‌های کلان نظام اسلامی دیده می‌شود.

این تحول، برخاسته از همان نگاه الهی و واقع‌بینانه به مردم است که در نهج‌البلاغه بارها و بارها منعکس شده است؛ بویژه در خطبه‌های امام علی(ع) که مردم را هم به عنوان مخاطب تصمیمات کلان معرفی می‌کند و هم به عنوان

عقلانیت انقلابی در آیین نهج البلاغه

می‌کشد؛ مدلی که در آن عدالت نه یک شعار، بلکه قوت ستون دین و راه اصلاح جامعه است؛ مدلی که در آن شایسته‌سالاری، کنترل قدرت، ارتباط با مردم، مبارزه با اشرافیت و سرمایه‌سالاری و نظارت مداوم بر کارگزاران از لوازم عقلانیت حاکمان الهی است؛ عقلانیتی که در عین صلابت، به رأفت و در عین قاطعیت، به مشورت و مدارا وفادار است.

■ **تقابل با عقلانیت سکولار و محافظه‌کار**

آنچه امروز به نام عقلانیت در برخی محافل نخبگانی یا جریانات سیاسی مطرح می‌شود، عمدتاً گونه‌ای عقلانیت سکولار، محافظه‌کار و ترس‌خوره است که مصالح روزمره را بر آرمان‌های بزرگ و امنیت را بر عزت و کرامت ترجیح می‌دهد. این عقلانیت، فاقد قدرت تحول‌آفرینی است و بیش از آنکه جامعه را پیش ببرد، آن را در روزمرگی و بی‌حرکی فرو می‌برد.

در مقابل، عقلانیت انقلابی امیرالمومنین(ع)

عقلانیتی شورانگیز، بیدارگر و تمدن‌ساز است؛ عقلانیتی که خطر می‌کند اما بر مدار حق، نه منفعت. آنجا که حضرت علی(ع) در نامه ۶۲ خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، سبک زندگی اشرافی او را به نقد می‌کشد و با یادآوری سیره خود، خط تمایز با سبک زندگی سرمایه‌دارانه را روشن می‌کند، ما با نمونه‌ای عینی از عقلانیت انقلابی در عرصه سبک زندگی و زیست مؤمنانه مواجهیم.

■ **گفت‌و ساز و مهندسی اجتماعی با الهام از نهج‌البلاغه**

برای آنکه این عقلانیت، از حوزه‌های فردی و نخبگانی فراتر رفته و به یک جریان اجتماعی – فرهنگی بدل شود، نیازمند سازوکارهایی هستیم

که نهج‌البلاغه را از متن به بطن جامعه پیوند

بزند. این امر، مستلزم یک طراحی جامع است:

که در آن، مردم گمان می‌کنند می‌دانند، چون دائم در معرض اطلاعاتند، در حالی که چیزی جز امواج اپتئال، از درون این مواجهه عبور نکرده است. در نهایت، آنچه بر جا می‌ماند، جمعی است با حس مشترک اما فهم پراکنده. این همان نقطه‌ای است که سیاست‌زدگی سطحی، سلبریتی‌های روشنفکرنا بطن مسؤولیت‌پذیری و تعهد اخلاقی، به سطح یک برند دیجیتال تقلیل می‌یابد. دیگر مهم نیست چه گفته می‌شود، مهم آن است که چند بار شنیده شود.

این وضعیت، ادراک جمعی را دچار نوعی فلج‌حسی-تحلیلی می‌کند.دیگر نه‌مجالی برای سیر در لایه‌های پنهان واقعیت وجود دارد و نه تمایلی برای توقف و بازاندیشی. این «ناآگاهی واکنشی»، خطرناک‌ترین شکل زوال فهم است؛ وضعیتی



عصر فعال و تعیین‌کننده در معادلات اجتماعی و سیاسی.امیرالمومنین در خطبه‌ای خطاب به مردم می‌فرماید: «لَا تَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ سَبَّابًا عَلَي أَنْفُسِكُمْ؛ مبدا خودتان با دست خود، راه را بر آری دشمنان خدا باز کنید».

این توصیه، بیانگر آن است که مردم نه‌تنها باید خود عامل صیانت از نظام و جامعه باشند، بلکه تصمیمات و رفتارهای آنان، در شکست یا پیروزی مسیر حق، نقشی بی‌بدیل دارد.

امامین انقلاب نیز بر همین مبنا، مردم را در موضع تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر قرار دادند. از ابتدای انقلاب، مردم با حضور در همه‌پرسی جمهوری اسلامی، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و شوراها، خود مسیر حرکت کشور را تعیین کرده‌اند و در بزنگاه‌های تاریخی نظیر دوران دفاع‌مقدس، فتنه‌های سیاسی و حتی در صحنه‌های دیپلماتی، این مردم بوده‌اند که با بصیرت و حضور خود، معادلات جهانی را به نفع نظام اسلامی تغییر داده‌اند.

نکنه راهبردی در این اندیشه، باور به این حقیقت است که مردم، موتور محرک حرکت تمدنی جامعه‌اند و سیاست‌ورزی، بدون توجه به ظرفیت‌های فکری، روحی و اجتماعی مردم، محکوم به شکست است. به همین دلیل، امامین انقلاب نه‌تنها مردم را به مشارکت دعوت کردند، بلکه با رفتار و گفتار خود، دالما به تربیت مردم به عنوان یک امت فهمیم، مقاوم و بصیر پرداختند.

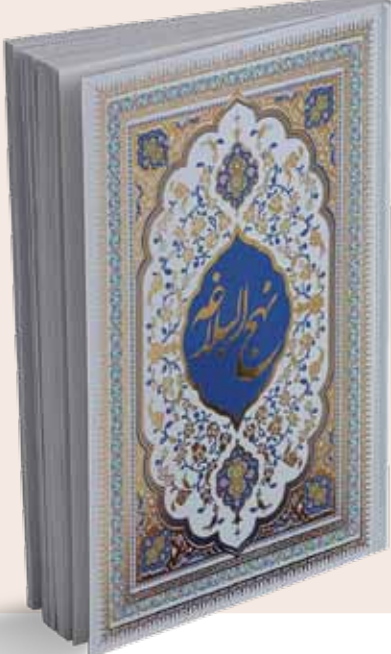
نکنه راهبردی در این اندیشه، باور به این حقیقت است که مردم، موتور محرک حرکت تمدنی جامعه‌اند و سیاست‌ورزی، بدون توجه به ظرفیت‌های فکری، روحی و اجتماعی مردم، محکوم به شکست است. به همین دلیل، امامین انقلاب نه‌تنها مردم را به مشارکت دعوت کردند، بلکه با رفتار و گفتار خود، دالما به تربیت مردم به عنوان یک امت فهمیم، مقاوم و بصیر پرداختند.

چه در حوزه سیاست خارجی دیده می‌شود، برآمده از همین سنت فکری است؛ سنتی که ریشه در کلام و سیره امام علی(ع) دارد و در دوران معاصر، به واسطه رهبری حکیمانه امامین انقلاب، به عنوان یک الگوی بی‌بدیل برای اداره جامعه و امت اسلامی به کار گرفته شده است.

۱- نهادسازی آموزشی و تربیتی برای ترویج سرفصل‌های نهج‌البلاغه در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه با رویکردی کاربردی و مساله‌محور
۲- مهندسی رسانه‌ای هوشمندانه برای روایت عقلانیت انقلابی و سیره علوی در قالب‌های نوین و جذاب (سریال، مستند، پادکست و روایت‌های داستانی)
۳- شبکه‌سازی نخبگانی برای تولید ادبیات علمی و تمدنی بر محور نهج‌البلاغه در حوزه‌های علوم انسانی اسلامی، سیاست‌گذاری عمومی، مدیریت فرهنگی و اجتماعی
۴- الگوسازی میدانی از مدیران، فعالان اجتماعی، جهادگران و مربیانی که سبک عقلانی و علوی را در مدیریت و کنش اجتماعی پیاده کرده‌اند.

■ **خوانش رهبر انقلاب از نهج‌البلاغه؛ الگوی زنده عقلانیت انقلابی**

رهبر معظم انقلاب در دهه‌های اخیر، نهج‌البلاغه را به عنوان ستون معرفتی انقلاب اسلامی معرفی کردند. ایشان عقلانیت حضرت علی(ع) را الگویی برای هدایت در فتنه‌ها، تشخیص جبهه حق و باطل و شجاعت در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز دانستند. این خوانش، چکیده‌ای از عقلانیت انقلابی در تراز تمدن‌سازی است؛ عقلانیتی که میان آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، نسبتی دقیق برقرار می‌کند.بنابر آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم: نهج‌البلاغه، آیین تمام‌نمای عقلانیت انقلابی است؛ عقلانیتی که در توفان تحولات، کشتی امت را بر صخره‌های عدالت و کرامت می‌نشاندد. امروز که نظام اسلامی در گام دوم انقلاب، به دنبال تحقق تمدن نوین اسلامی است، بازگشت علمی، عملی و روشمند به این عقلانیت، نه تنها نیاز است، بلکه شرط بقا و بالندگی انقلاب اسلامی است.



دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۳۰۲

اندیشه

پژوهشگر روابط بین‌الملل

و نویسنده کتاب «آینده جهان، امت واحد».

مسأله غزه نقطه عطفی تاریخی

درمقابله با نظام سلطه جهانی است

کارشناس و پژوهشگر روابط بین‌الملل و نویسنده کتاب «آینده جهان، امت واحد» با اشاره به اینکه مساله غزه نقطه عطف تاریخی در مقابله با نظام سلطه جهانی است، تصریح کرد: متأسفانه در حال حاضر گرفتار نگاه و رویکرد سکولار در فضای علوم انسانی کشور هستیم. سمیه چیتی طی سخنانی در نشست «فرای یک امت» که با محوریت نقد و تحلیل کتاب «آینده جهان، امت واحد» در محل رسانه فکرت برگزار شد، با بیان اینکه در قرآن مجید ۸ بار از عبارت «امت واحد» استفاده شده و این مساله نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است، اظهار داشت: از این تعداد تنها یک بار خطاب امت واحد در قرآن، مسلمین هستند، ضمن آنکه باید توجه داشت در تعریف و تفسیر امت واحده نظر مشترک و واحدی وجود ندارد.

وی با اشاره به اینکه اصل یازدهم قانون اساسی کشورمان بر اساس ایده امت واحد تدوین شده است، گفت: متأسفانه در وضعیت کنونی شاهد رویکرد و نگاه سکولار در مباحث مرتبط با علوم انسانی کشور هستیم، به این معنا که مشخصاً بسیاری از مفاهیم مطرح در روابط بین‌الملل به دور از آموزه‌های قرآنی است، ضمن آنکه ما در بحث جبهه مقاومت، نیازمند تولید و ارائه ادبیات نظری و سپس تلاش برای کاربردی‌شدن آن در سطح جامعه هستیم.

■ **جامعه توحیدی و اهمیت مسأله عدالت**

وی افزود: چپستنی امت واحده یکی از مباحث بسیار مهم است که البته باید توجه داشت یک کلان‌مفهوم است که به چگونگی تحقق جامعه توحیدی می‌پردازد. در نظریات مهم امروز دنیا بحث جهانی‌سازی و چگونگی تحقق آن حائز اهمیت شده، لذا در مرحله پیش از تحقق تمدن نوین اسلامی ما باید به سمت تحقق امت واحد برویم که ناظر به جهانی بر اساس مفهوم توحید است.

چیتی بیان داشت: اعتراضات دانشجویان آمریکایی در طول ماه‌های اخیر نسبت به جنایات صهیونیست‌ها و در دفاع از غزه، بر اساس حرکت به سمت امت واحده‌ای است که بر مبنای جامعه توحیدی به دنبال مقابله با استکبار و ظلم است، ولو اینکه دانشجویان آمریکایی، مسلمان و هم‌کیش ما هم نیستند اما در این قضیه بر اساس فطرت الهی و روحیه ضدظلم عمل می‌کنند.

■ **جبهه مقاومت؛ پیشرانی برای تحقق امت واحد**

وی با اشاره به اینکه جبهه مقاومت امروز به پیشران جامعه توحیدی در مسیر شکل‌دهی به امت واحد تبدیل شده است، گفت: مرتبه اول امت واحد، جامعه شیعیان است که جبهه مقاومت عصاره آن است و در مرتبه بعدی ما با آزادی‌خواهان و حق‌طلبان عالم سر و کار داریم.

وی اضافه کرد: از سوی دیگر وقتی امروز از نظم جدید جهانی و شکل‌گیری آن صحبت می‌کنیم، نخست باید بدانیم دقیقاً از چه چیزی سخن به میان می‌آید؛ اینکه شاهد افول آمریکا هستیم و بتدریج چین یا روسیه درحال قدرت‌گیری هستند و کشورهایی مثل آلمان هم به قدرت‌های مطرح منطقه‌ای تبدیل می‌شوند. در واقع اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم نظم جدید حول همان مفاهیم سابق مطرح است و صرفاً شاهد جابه‌جایی قدرت‌ها هستیم.

■ **بسط نظری به ولایت فقیه بر مبنای نظام توحیدی**

نویسنده کتاب «آینده جهان، امت واحد» ادامه داد: تنها قدرتی که بتواند نظام معنایی را تولید و ارائه کند، نظام توحیدی مبتنی بر ولایت‌شدن است و به همین خاطر بسط نظریه ولی فقیه در دنیای امروز اهمیت خاصی می‌یابد. وی یادآور شد: محور نظام توحیدی، تحقق عدالت است و این نکته کلیدی است که باید در تحلیل‌ها حتماً بدان توجه داشته باشیم. اینکه رهبر معظم انقلاب فرمودند ما به سمت تولید سلاح کشتار جمعی و به طور خاص بمب اتم نمی‌رویم، مبنایش همان نگاه توحیدی متنی بر عدالت است اما امروز چون دال مرکزی حاکم بر مناسبات قدرت در جهان، منافع است، لذا شاهد تناقص هستیم، از این بابت که قدرت‌های سلطه‌گر برای خود سلاح‌هایی در نظر می‌گیرند اما دیگران را از داشتن آن محروم می‌کنند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه قدرت یکی از عوامل مهم هنجارها در نظام جهانی است که تأثیری قابل توجه در امور فرهنگی و اجتماعی دارد، گفت: البته مردم در امت واحد نیز نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند، ضمن آنکه قدرت در کلان‌مقوله امت واحده، پیوسته با علم و آگاهی است و همیشه با حالت اختیار همراه است.

■ **چرا مسأله تبیین حائز اهمیت است؟!**

چیتی خاطر‌نشان کرد: اینجاست که متوجه اهمیت تبیین در کلام مقام معظم رهبری می‌شویم؛ برای اینکه مردم در سایه تبیین با مباحث مرتبط با نظام قدرت جهانی و اهداف سلطه‌گران بیش از پیش آشنا شوند، کما اینکه قدرت تغییر در انتخاب‌های مردم از مباحث مهم ما است که در سایه کلان‌مقوله امت واحد باید مورد عنایت قرار گیرد.

وی گفت: بحث دارالاسلام در فقه سیاسی نیز ناظر به مناسبات و تعاملات کشور اسلامی با دیگر کشورهاست که این مساله نیز در بحث امت واحد حائز اهمیت است. البته اگر ما تعریف مشخصی از امت واحد نداشته باشیم، نخواهیم توانست در مناسبات بین‌المللی به عنوان مثال در حمایت از غزه، آن حرکت شایسته و بایسته را انجام دهیم.

■ **راهکارهایی برای دفاع از مظلومیت غزه**

کارشناس و پژوهشگر روابط بین‌الملل همچنین بیان داشت: راه برون‌رفت از جنگ غزه، استراتژی‌های مبتنی بر عدالت در کلان‌مقوله امت واحد است و این مساله فراتر از امت اسلامی است. در این راستا نهادسازی بین‌المللی و شکل‌دهی به پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حائز اهمیت است، ضمن آنکه انتلاف‌های بین‌المللی البته ذیل یک قرارداد حقوقی باید مورد توجه قرار گرفته و دنبال شود.

وی افزود: ایجاد اجماع جهانی با محوریت مردم و بهره‌گیری از همه ظرفیت نهاده‌های بین‌المللی برای دفاع از مردم مظلوم غزه یک ضرورت انکارناپذیر است. از سوی دیگر نیاز است احکام و فتاوی مراجع معظم تقلید را ضمانت اجرای حقوقی در عرصه بین‌الملل قرار دهیم.

وی گفت‌امت‌هاحول مفاهیم و مباحث فرهنگی و سیاسی و اجتماعی می‌توانند به سمت اشتراکات حرکت کرده و زمینه تحقق امت واحد را فراهم کنند.

■ **نسبت مسأله مذاکره و امت واحد**

چیتی با اشاره به اینکه مذاکره می‌تواند به عنوان بخشی از رفتار جبهه مقاومت تلقی شود، تصریح کرد: ما امروز در موضع ضعف نیستیم و در وضعیت فعلی نیز ما شرایط مذاکره را بر طرف مقابل تحمیل کردیم. آنچه مهم است اینکه مذاکره می‌تواند بخشی از بازدارندگی ما باشد.

وی گفت: واقعیت آن است که علوم انسانی امروز کشور ما سکولار است و اگر در مسیر تحقق امت واحد سنگ‌اندازی نکنیم، همراهی نیز نمی‌کنند. متأسفانه بسیاری از جریان‌های دانشگاهی ما در این قضیه در مساله لیبرالیسم هض شده و خود بنده در بحث پیگیری پایان‌نامه‌ام در دانشگاه با مشکلات بسیاری مواجه شدم. وی خاطر‌نشان کرد: با این حال آنچه مهم است اینکه ادبیات مقاومت جهانی در برابر ظلم را باید توسعه دهیم و روی مباحث علوم انسانی در این زمینه کار کنیم.

چیتی در خاتمه گفت: زیرسوال بردن منافع نظام سلطه در قضیه غزه و فلسطین باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که در حال حاضر غزه، بهترین موضوع و مساله برای جلب توجهات جهانی به شمار می‌رود.